بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد محارب 1](#_Toc427655196)

[مرور بحث پیشین 1](#_Toc427655197)

[بخش دوم آیه محارب 2](#_Toc427655198)

[معنی فساد 2](#_Toc427655199)

[قصد در افساد 2](#_Toc427655200)

[جمع‌بندی 3](#_Toc427655201)

[موضوع آیه شریفه 3](#_Toc427655202)

[آراء در این فرض 3](#_Toc427655203)

# حد محارب

# مرور بحث پیشین

بحث در آیه شریفه سی‌ودو سوره مائده بود که مستند اصلی در باب حد محارب است. آیه به‌این‌ترتیب است که؛

**«إِنَّما جَزاءُ الَّذِینَ یحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً أَنْ یقَتَّلُوا أَوْ یصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ینْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِک لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْیا وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظِیمٌ»[[1]](#footnote-1)**

در قبال این آیه که در جلسات گذشته محوریت بحث را به خود اختصاص داده بود، مطالبی بیان شد. گفته شد که فقها نیز ازجمله افرادی هستند که مشمول این حکم خواهند بود. اما در این زمینه حکومت جائر با ادله‌ای که وجود دارد از حکم خارج خواهد شد مگر اینکه از باب تزاحم یا عناوین ثانوی مورد حکم قرار بگیرد.

## بخش دوم آیه محارب

اما بخش دوم این است؛

**«وَ یسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً»** در این باب نیز نکاتی وجود دارد که باید موردبحث و بررسی قرار گیرد؛ سعی بر فساد در ارض با یفسدون مقداری متفاوت است و در مورد اول تأکید بیشتری وجود دارد. نکته دیگر در این باب این است که صرف افساد با افساد فی‌الارض متفاوت است؛ در تعبیر اول نوعی از اطلاقی وجود دارد و هر نوع افسادی را در برمی‌گیرد. اما در تعبیر دوم نوعی از بروز و شمول و تسری به دیگران وجود دارد، همچنان که آیه شریفه در این زمینه می‌فرماید؛

**«وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیفْسِدَ فیها وَ یهْلِک الْحَرْثَ وَ النَّسْل»[[2]](#footnote-2)**

بعید نیست بتوان این نکته را از آیه شریفه استفاده نمود. لذا وقتی در آیه تعبیر به این نحو آورده شده است، بار معنایی اضافه‌ای را افاده می‌دهد.

## معنی فساد

فساد به معنی خروج از حالت اعتدال و انسجام و صحتی است که در شیء وجود دارد، به دنبال هر معصیتی این خروج و خلل حاصل می‌شود لذا در پی آن فساد نیز محقق می‌شود. پس مفسدی که در این آیه مدنظر قرارگرفته است مطلق عاصی نیست بلکه هیئتی انتظامی و اجتماعی به دنبال آن است که بدان‌ها خلل و نقصی واردشده است.

## قصد در افساد

البته همان‌طور که مشخص است باید در اینجا به دنبال این افساد قصد تخریب وجود داشته باشد، یعنی اگر فردی کاری را از روی غیر قصد انجام داده، آنگاه نتیجه آن به تخریب منتهی شده است، در اینجا احکام لازم بر مفسد مترتب نخواهد شد. و در حقیقت لزوم احراز قصد برای ترتب اثر امری کاملاً عقلایی است.

## جمع‌بندی

نکته حائز اهمیت این است که در اینجا برای تحقق عنوان فساد یادشده لازم نیست که حتماً جنگی به راه اندازد بلکه مواردی مثل شایعه‌پراکنی‌ها در سطح جامعه، پول‌شویی‌های اقتصادی و... همه و همه می‌تواند منجر به شکل گرفتن معنای فساد باشد؛ لذا تشهیر سلاح یا اخافه قیودی است که در محارب مورد قصد قرارگرفته است و دخالتی در معنای افساد ندارد، بلکه آنچه در اینجا حائز اهمیت است انجام عملی توسط فرد است که باعث اخلال و نقصان در نظام اجتماعی جامعه گردد. و محاربه نیز همان‌طور که گفته شد اعم از براندازی و غیر آن است. بنابراین پس از تحلیل مفهوم محارب و مفسد و مقومات آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که بین این دو رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. و دراین‌بین افساد با تعریف بیان‌شده است که از محاربه اعم است.

البته در کلمات فقها عامه و خاصه، موضوع بیان‌شده محارب است و مفسد در ذیل آن آمده است، اما افساد به نحوی مستقل بیان نگشته است.

### موضوع آیه شریفه

اما این سؤال هنوز باقی است که موضوع آیه در اینجا چیست؟

دو جمله در طول آیه ذکرشده بود که هر دو موردبررسی قرار گرفت، اما در قبال موضوع چند احتمال وجود دارد؛ یک احتمال ترکیبی بودن موضوع بین دو عنوان بیان‌شده است و دو احتمال دیگر این است که هرکدام از این دو مورد به نحو مستقل موضوع باشد و عنوان دیگر به دنبال آن معنا پیدا کند. اما نکته اساسی که در اینجا وجود دارد، این است که اگر رابطه بین این دو مفهوم در اینجا عموم و خصوص من وجه بود مانعی وجود نداشت، اما ازآنجایی‌که رابطه مطلق است دیگر این احتمال وجود ندارد که هر دو آن‌ها به نحو ترکیبی موضوع آیه باشند.

پس درواقع چهار احتمال در اینجا به دو احتمال برمی‌گردد.

### آراء در این فرض

ظهور غالب کلمات فقها در این است که موضوع آیه محارب است، اما آقای فاضل بیشتر به سمت احتمال دوم یعنی موضوعیت مفسد در آیه تمایل دارند. و این امری است که در موارد قضایی از ثمره زیادی برخوردار است. قرینه‌ای که ایشان بر مبنای خود ذکر کرده‌اند آیه قبل است که در آن بنی‌اسرائیل متصف به فساد در زمین شده‌اند.

1. 33/مائده [↑](#footnote-ref-1)
2. 205/بقره [↑](#footnote-ref-2)